



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

امام محمد باقر



بزرگداشت امام محمد باقر

سخنرانی حضرت آیت الله سید حسن فقیه امامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهادت امام محمد باقر (عليه السلام)

نويسنده:

آيت الله سيد حسن فقيه امامي

ناشر چاپي:

مدرسه علميه ذوالفقار اصفهان

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شهادت امام محمد باقر علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	متن سخنرانی
۳۸	درباره مرکز

مشخصات كتاب

سخنرانى حضرت آيت الله حاج سيد حسن فقيه امامى «حفظه الله»

ويژه شهادت امام محمد باقر عليه السلام

متن سخنرانى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِوَلِيِّهِ وَالشُّكْرُ عَلَى نِعْمَائِهِ وَالصَّامُوَةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ أَنْبِيَائِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ التَّهَامِيِّ سَيِّدِنَا أَحْمَدَ وَ
نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ الْأَبَدِيَّةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَمُخَالَفِيهِمْ وَمُعَانِدِيهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ
يَوْمِ الدِّينِ رَبِّ أَدْخِلْنِي

مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرَجَنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ.

شهادت پنجمین اختر تابناک ولایت و امامت آقا امام محمد باقر علیه السلام را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و همه شیعیان آن بزرگوار تسلیت می گوئیم.

مناسب دیدم در رابطه با حضرت امام باقر علیه السلام که چه خدماتی داشتند و این بزرگوار برای ما الگو و اسوه ای هستند در این خدماتی که برای شما بیان می کنم.

اولاً نام گذاری این بزرگوار به امام باقر بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود.

حضرت به جابر بن عبدالله رحمه الله فرمودند: تو فرزند مرا درک می کنی که **يَبْقُرُ الْعِلْمَ** (شکافنده علم است) پس سلام مرا به او برسان. (1)

ص: 2

1- اصول کافی، شیخ کلینی: ج 1 ص 469 ح 2 «...سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ إِنَّكَ سَتُدْرِكُ رَجُلًا مِنِّي اسْمُهُ اسْمِي وَشَمَانِلُهُ شَمَانِلِي يَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا فَذَاكَ الَّذِي دَعَانِي إِلَى مَا أَقُولُ...»

جابر تا زمان امام محمد باقر علیه السلام زنده ماند و سلام رسول گرامی اسلام را به آن حضرت رسانید.

بَقْر به معنای شکافتن است، مثلاً برای اینکه زمین را بشکافتند تا آن نیروهای زیر زمینی را احیاء کنند این را بَقْر می گویند و باقر به معنای شکافته است حال چه چیزی را می شکافد. پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند: علم را می شکافد.

این شکافتن علم به چه معنا است؟

مقدمتاً مطلبی را بیان می کنم، از زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله تا برسد به زمان امام باقر علیه السلام، پیامبر اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام مثل امیر المؤمنین مطلب را می گفتند ولی مردم قدرت تجزیه و تحلیل آن را نداشتند.

ص: 3

یعنی این قدر رشد فکری نداشتند که اصول را گرفته و فروع را از آن استنتاج کنند. ائمه باید اصول را می گفتند و مردم باید فروع را از دل اصول بیرون می آوردند مثل کاری که الآن فقها می کنند. اصول و قواعد کلیه را از ائمه گرفته اند و خودشان فروع را با اصول تطبیق می دهند و معنای فقه همین است.

هر چه ائمه علیهم السلام در آن زمان می گفتند مردم مثل ضبط صوت آن را ضبط می کردند حافظه آنان بسیار قوی بود. آن خطبه های طولانی و مفصل امیرالمؤمنین را ضبط می کردند ولی در حدی نبودند که روی مطالب کار کنند و از آن استفاده های کلان ببرند.

در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله آن دو خلیفه نابحق نگذاشتند احادیث پیامبر صلی الله علیه وآله نشر پیدا کند حتی از چیزهایی که مردم می توانستند حفظ کنند جلوگیری کردند که از پیامبر صلی الله علیه وآله

ص: 4

چیزی نقل نشود.

صد سال طول کشید در ظرف این صد سال مردم جرأت نداشتند که بگویند: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله».

بعد از صد سال که عمر بن عبدالعزیز بر سر کار آمد و دیگر دوران بنی امیّه رو به ضعف و پایان بود سیاست عمر بن عبدالعزیز اقتضا می کرد که مقداری آزادی بدهد و اجازه داد احادیث رسول خدا نقل شود ولی زمانی اجازه داد که دیگر محدّثین مرده بودند و از پیامبر چیزی در دسترس نداشتند.

البته پیروان امیرالمؤمنین در خفا احادیث را حفظ کرده بودند ولی کفایت نمی کرد.

اولین خدمتی که امام باقرعلیه السلام کردند نشر احادیث رسول خدا بود.

از زمان رسول خداصلی الله علیه وآله تا امام باقرعلیه السلام چندین سال

ص: 5

فاصله بود و می بایست روایات سند متصل داشته باشد.

از امام باقر علیه السلام سوال شد، سند متصل روایاتی را که شما از رسول خدا نقل می کنید چیست؟

ایشان فرمودند: هر آنچه می گویم از پدرم امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام نقل می کنم که در بزرگواری، عصمت، زهد، تقوا، علم و فضیلت ایشان کسی تردیدی نداشت. آنچه ایشان نقل کرده اند از پدرشان امام حسین علیه السلام و آن حضرت از پدرشان مولا امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه وآله که این سلسله سند معتبرترین سلسله سند احادیث است. (1) و بوسیله امام باقر علیه السلام که حافظ همه احادیث پیامبر و سنت رسول خدا صلی الله علیه وآله بودند روایات پیامبر اکرم نشر پیدا کرد و مردم توانستند از طریق امام باقر علیه السلام با سنت پیامبر اکرم

ص: 6

1- کافی، مرحوم کلینی ج 1 ص 53 ح 14

آشنا شوند و این بزرگترین خدمتی بود که امام باقرعلیه السلام به دین مبین اسلام کردند.

بسیاری از احادیث را حتی علما و محدثین عامه از امام باقرعلیه السلام نقل کرده اند.

نشر حدیث، حدیث سالم است، نه حدیث انحرافی و تحریف شده.

البته می دانید اهل سنت چون به سنت پیامبر دسترسی نداشتند شروع به جعل احادیث کردند. ده هزار، بیست هزار، کمتر یا بیشتر به عنوان فعل ثواب دروغ نقل حدیث کردند.

اگر می خواهید این مطلب را خوب بدانید و باور کنید به کتاب الغدیر مراجعه کنید. مرحوم علامه امینی رحمه الله به

ص: 7

خود سَتّي ها نوشته و اقرار کرده اند که جعل احاديث را ثواب مي دانستند و چيزهائي را که به ذهنشان خوب مي آمد از قول رسول خدا مي گفتند تا مردم آن ها را باور و بدان عمل کنند چون اگر استناد به رسول خدا نمي شد مردم زير بار نمي رفتند به همين علت بازار جعل حديث بسيار داغ بود.

اما اگر احاديث معتبر و صحيح را مي خواستند هيچ راهي نداشته جز اين که به امام باقر عليه السلام مراجعه کنند.

بقر از همين جا است. اين چيزهائي که زير پوشش تقيه نهفته شده و پنهان بود حضرت پرده ها را عقب زدند و حقايق را براي مردم شکافتند و اين اولين خدمت امام

ص: 8

باقرعلیه السلام بود.

حضرت دومین خدمت را به فقه کردند یعنی تا زمان امام باقرعلیه السلام این فقهی که امروز مصطلح ما است که مراجع قوانین را می گیرند و مشکلات فروع را از طریق این قوانین حل می کنند.

برای مثال: از امام می پرسند اقل حمل چقدر است؟ یعنی يك زن چند ماه که بگذرد می تواند وضع حمل کند؟

حضرت می فرماید: شش ماه. از ایشان دلیل می خواهند. اینجاست که خاصیت فقه معلوم می شود. حضرت دو آیه را کنار هم می گذارند و با استفاده از این دو آیه اقل حمل را شش ماه می دانند.

آیه اول: «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»⁽¹⁾

ص: 9

1- احقاف 15: «و دوران حمل و از شیر باز گرفتش سی ماه است؛»

دوران آبستنی زن و شیر دادن او سی ماه است.

آیه دوم: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» (1)

یعنی کسی که می خواهد شیر کامل بدهد دو سال بایستی شیر دهد.

دو سال بیست و چهار ماه است و حمل و فصال سی ماه می باشد. بیست و چهار ماه را از سی ماه کم می کنیم شش ماه می شود این فقاهت است. (2)

ص: 10

1- بقره 233

2- مستدرک الوسائل، ج 15 ص 123 ب 12 ح 17730: ابْنُ شَهْرَآشُوبَ فِي الْمَنَاقِبِ، كَانَ الْهَيْثُمُ فِي جَيْشٍ فَلَمَّا جَاءَ جَاءَتْ امْرَأَتُهُ بَعْدَ قُدُومِهِ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ بَوْلًا دِقًّا فَانْكَرَ ذَلِكَ مِنْهَا وَجَاءَ إِلَى عُمَرَ وَقَصَّ عَلَيْهِ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا فَأَدْرَكَهَا عَلِيٌّ ع مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْجَمَ ثُمَّ قَالَ لِعُمَرَ اذْبَعْ عَلَى نَفْسِكَ إِنَّهَا صَدَقَتْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا وَقَالَ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ عَنْ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ فَالْحَمْلُ وَالرَّضَاعُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا فَقَالَ عُمَرُ لَوْلَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عُمَرُ وَخَلَّى سَبِيلَهَا وَالْحَقَّ الْوَلَدَ بِالرَّجُلِ.

فقاہت به این صورت نبود. امام باقر علیہ السلام علم فقہ را که استنتاج فروع از اصول باشد پایه گذاری کردند.

فقہای عامہ این چیز را نداشتند که بتوانند از آیات قرآن و سنت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ استفادہ کنند ناچار شدند که به آراء خودشان استناد کنند مثل ابی حنفیہ و امثال او.

آن ها آنچه را به فکرشان می رسید ملاک قرار می دادند و حکم می کردند. حکم آنان مستند به کتاب و سنت نبوده و ریشه نداشت.

«وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ»⁽¹⁾

قرآن کلمه طیبہ را می فرماید. ریشه کلمه طیبہ در زمین

ص: 11

است ریشه دار است و مثل کلمه خبیثه مثل آن گیاهی است که ریشه اش در اعماق زمین نیست و سطحی است.

«ما لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (1) ریشه ندارد.

این يك چیز منطقی است، خوب دقت کنید ببینید خدمتی که امام باقر علیه السلام به فقاهت کرده اند چه بود؟

قرآن اجازه نمی دهد کسی جز خدا حکم صادر کند.

«وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (2)

کسی حق قانون گذاری ندارد این حقی است که «لَهُ الْحُكْمُ» (3) حکم مختص به خدا است.

پیغمبر خدا به خودشان اجازه نمی دادند که بدون اذن

ص: 12

1- همان

2- مائده 44: «و آن ها به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند کافرنند»

3- انعام / 62: ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ لَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ.

خدا حکمی صادر کنند. در تغییر قبله جوری بود که مدت ها پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله سرشان به طرف آسمان بلند بود تا وحی شود و دستور تغییر قبله بیاید.

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا» (1)

وقتی که در نماز به پیغمبر خطاب شد: «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (2) پیغمبر با آن عظمت امکان نداشت بدون اذن خدا حرفی بزنند. گفت: «وَلَوْ نَقُولُ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوِيلِ 44ء لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ 54ء» (3)

ص: 13

1- بقره 144: «نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان می بینم! و اکنون تو را به سوی قبله ای که از خشنود باشی باز می گردانم»

2- بقره 144: «پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن!»

3- حاقه 44 و 45: «اگر او سحنی دروغ بر ما می بست، ما او را با قدرت می گرفتیم، و رگ قلبش را قطع می کردیم»

خداوند پیغمبر را تهدید کرده که اگر يك کلمه بدون اتکای به وحی چیزی بگوید رگ حیاتی او را قطع می کنیم و قدرتش را از او می گیریم.

«ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ ۳ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۚ ۴ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۚ ۵» (1)

پیامبر گاهی مدّت ها به انتظار وحی می نشست تا يك حکم صادر شود و این ها می گفتند: خیر.

ابی حنیفه در چهل مسئله گفت: «قال رسول الله كذا و انا اقول كذا». با قیاس از ذهنیت های خودش و با طرز تفکر خودش.

ص: 14

1- نجم 3 و 4 و 5: «و از روی هوای نفس سخن نمی گوید! آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! آن کس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده است؛»

پس این‌ها ریشه ندارد و ریشه اش به طرز تفکر اِبی حنیفه می‌رسد.

امام باقرعلیه السلام که استاد اِبی حنیفه بودند و خود اِبی حنیفه به شاگردی حضرت افتخار می‌کند و می‌گوید: «لولا سنتان لهلك نعمان»⁽¹⁾ است که اینطور افتخار می‌کند.

امام باقرعلیه السلام به خود اجازه نمی‌دادند که از خودشان چیزی بگویند، استناد به سنت پیامبر و قرآن کریم می‌کردند و باب فقه را این‌گونه باز کردند.

می‌دانید فقه، استنباط حکم از ادله تفصیلی است. این فقاهت است. ریشه افکار امام یا کتاب بود که قرآن باشد و یا سنت که از پیغمبر صلی الله علیه وآله نقل حدیث می‌کردند.

بنابراین کلمه ایشان، کلمه طَیِّبه بود که ریشه اش وحی

ص: 15

1- خلاف، شیخ طوسی ج 1 ص 33

بود.

ما چقدر باید افتخار کنیم که پیرو مکتبی هستیم که ریشه دار است.

باب فقاہت را امام باقرعلیه السلام باز کردند که هم شیعه ها و هم اهل سنت از آن زمان شروع به تدوین و بحث در مسائل فقهی نمودند. قبل از امام باقرعلیه السلام چیزی به عنوان فقه در بین اهل سنت نبود و شیعه ها نیز در تقیّه بودند و جرأت اظهار نظر در مسائل فقهی را نداشتند.

امام باقرعلیه السلام این باب را فتح کردند و علم فقه را که از شریف ترین علوم الهی است را پایه گذاری کردند و نشر دادند.

این خدمت دیگری بود که حضرت امام صادق علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام نیز ادامه دادند و این فقه قویم شیعه را پایه گذاری کردند.

ص: 16

فقه ما فقه اصیلی است. طبق آنچه تحقیق و بررسی کرده اند در کتاب جواهرالکلام شصت هزار مسئله فقهی است که اگر صادقین علیهما السلام نبودند امکان نداشت که هزار مسئله از آن ها را هم بتوان جمع کرد.

و در کتاب وسائل الشیعه مرحوم شیخ حرّ عاملی، احادیثی را جمع آوری کرده که زیر بنای فقه ما است، اکثر آن از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است.

ما باید به چنین مکتب و چنین پیشوایانی ببالیم که این فقه قویم را برای ما پایه گذاری کرده اند و این خدمت دیگر امام باقرعلیه السلام به عالم فقه بود.

من بدون اقرار می توانم در يك ماه، روزی يك ساعت درباره فقه صحبت کنم که اصلاً ماهیتش چیست؟ و چه عواملی دست به دست هم داده تا این فقه جواهری بوجود آمده است.

ص: 17

متأسفانه يك افكاری مثل افکار ابوحنیفه، يك فقه بی پایه و بی مایه و گاهی بر خلاف متن قرآن، در حوزه ها دارد راه پیدا می کند. آدم هائی که مغزهایشان را روشن فکرها شستشو داده و آن ها را از مسیر روایات خارج کرده اند و شروع کرده اند روی همان مبانی قیاس و استحسان و مصالح مرسله و فتح ذرایع کار کنند.

این حرف ها، کم کم در حوزه ها راه پیدا کرده است و بدعت ها دارد گاهی بصورت مسائل فقهی و استفتاء و فتوا نشر پیدا می کند. واقعاً این برای فقه شیعه فاجعه است اسم آن را هم فقه پویا می گذارند و می خواهند بگویند ما طبق شرایط روز فتوا می دهیم.

شرایط روز از کجا گرفته شده است؟ از سازمان حقوق بشر! آن ها فتوا می دهند و این ها می خواهند فتوا را با روایات و آیات قرآن تطبیق بدهند، نمی شود. اسمش فقه

ص: 18

پویا شده است.

فقه خودش در روایات و احادیث ما و در قرآن پویائی دارد و ریشه اش وحی است اما آن پویائی که حضرات می گویند ریشه اش سازمان حقوق بشر است.

برای مثال سازمان حقوق بشر می گوید تعدد زوجات جایز نیست این ها نیز همان حرف ها را نشخوار می کنند.

یا مثلاً فرض در مورد صدق و مهریه زن که این صدق اهانت به مقام مقدس زن است، این بر خلاف صریح قرآن است و... نمی خواهم کم کم پیش برویم.

مرحوم امام می فرمودند: «فقه جواهری فقه سنتی و ریشه دار است».

ریشه اش مغزهای آلوده و مخمور انسان ها نیست، ریشه اش وحی است. اگر توانستیم احکام خدا را به وحی متصل کنیم آن قداست دارد. اگر نتوانستیم باید ساکت

ص: 19

بشویم. با این اطلاعات محدود حق دخالت در احکام خدا را نداریم.

فقه چیز بازیچه ای نیست که هر روز دستخوش تفکرات عده ای قرار گیرد. اگر کار به قیاس کشید و به جائی رسید که هر کس طبق نظر خودش یا تلقین دیگران بخواهد فتوا دهد هرج و مرج لازم می آید.

خدا نکند این باب در حوزه های ما مفتوح شود که هر کسی از راه می رسد نگاه کند به غربی ها يك گوشش به شرق و يك گوشش به غرب باشد و با طرز تفکر آن ها بخواهد فتوا بدهد نه با «قال الباقر و قال الصادق علیهما السلام».

تا اینجا خدمات امام باقرعلیه السلام به فقه بود؛ فقهی که متکی به رسول خدا و رسول خدا متکی به وحی هستند.

خدمت بزرگ دیگری که امام محمد باقرعلیه السلام کردند به عالم در «علم تفسیر» بود.

ص: 20

یکی از فجایع و دردهای بی درمان و خطرهای عجیب که در آن زمان بود این است که يك عده یهودی تظاهر به اسلام کردند مثل: کعب الاحبار، عبدالله ابی و ...

این فجایع بیشتر در زمان معاویه اتفاق افتاد. فقهای اهل سنت همیشه وابسته به حکومت های جائر بودند. کعب الاحبارها در زمان معاویه بوجود آمدند و اسرائیلیات را به خصوص وارد در تفسیر کردند. و این خیانت را به تفسیر کردند که الآن جدا کردن اسرائیلیات از تفسیر کار مشکلی است. تا آن جا که دامن انبیاء را نیز آلوده کردند. مثلاً راجع به حضرت داوود گفتند که حضرت داوود بر بام خانه اش رفته و بر خانه همسایه اشراف پیدا کرده است. (نعوذ بالله) چشم چرانی کرده و چشمش به زن همسایه افتاد و زیبایی زن او را جذب کرد. جنگی به راه انداخت و شوهر زن را به جنگ فرستاد. شوهر زن کشته شد و داوود زن را به عقد

ص: 21

خود در آورد.

امام باقرعلیه السلام فرمودند: «هر کس را با این عقیده پیش من بیاورند بر او حدّ جاری می کنم».

و به این طریق با اسرائیلیات مبارزه کردند و مسائلی را که بطور انحرافی در تفسیر بوسیله یهودی ها وارد شده بود تجزیه و تحلیل کردند. و آن مفاهیم اصلی تفسیر را به شاگردان خود تعلیم دادند. و این چنین از حریم قرآن دفاع کردند.

این خدمت ساده ای به قرآن نیست. چون آن ها هدفشان این بود که قرآن را از مسیر اصلی خودش بیرون کنند. اگر بخواهید بدانید که این ها چه خیانتی به قرآن و تفسیر قرآن کرده اند، يك مورّخ مزدور بنی امیّه «طبری» که آن تاریخ معروف را نوشته، اکثر آیات قرآن را با دیدگاه یهودی ها تفسیر کرده است. آن وقت می بینیم عدّه ای از مورّخین

ص: 22

مانند وحی منزل با تاریخ طبری عمل می کنند. وقتی می خواهند در تاریخ، سند بدهند، از طبری سند می آورند. وقتی مراجعه می کنیم، می بینیم الله اکبر که این مورخ مزدور چه خلاف کاری هایی در تاریخ کرده، که چشم انسان راست می ایستد.

بعضی از محققین شیعه، نقاط ضعف تفسیر طبری را جمع آوری کرده اند و می بینیم که در اصول و ریشه های اعتقادی و تفسیری چقدر انحراف ایجاد کرده است. که جدا کردن آن ها بسیار مشکل است.

در جامعه شیعه و سنی، تاریخ طبری به عنوان يك تاريخ معتبر جا افتاده است.

امام باقر علیه السلام موضع گیری حادّی علیه اسرائیلیات کردند. این باز گوشه ای دیگر از خدمات حضرت بود که بقر علم کرده یعنی آن علم صحیح را به مردم ارائه کردند و فرمودند:

ص: 23

«شَرِّقًا وَغَرِّبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (1)

به شرق بروید یا به غرب بروید علم سالم و صحیح پیش ما است.

هر کجا بروید علم آلوده است تنها جایی که می توانید علم درست را به دست آورید نزد ما اهل بیت علیهم السلام است که این علم ریشه اش وحی است (البته شرح و تفصیل دارد و نمی شود همه آن ها را در یک سخنرانی گنجاند).

خدمت بزرگ دیگری که امام باقر علیه السلام نمودند در مسائل کلامی بود. در آن زمان افکاری در بین جامعه نشر پیدا

ص: 24

1- اصول کافی، شیخ کلینی ج 1 ص 399 ح 3: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَيْسَ لِمَنَ بِنِ كُهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ: شَرِّقًا وَ غَرِّبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

کرده بود.

مکتبی را که شیخین پایه ریزی کرده بودند از افکار اهل سنت بود که حساب آن ها جداست یکی از بحث های کلامی متوجه این گروه بود. ولی حضرت با چند گروه دیگر نیز مواجه بودند یکی با «مُرْجَعَه» که بحث مفصلی دارد که آن ها چه کسانی بودند و چه خیانت هائی در مسیر علم کلام کردند. گروه دیگر «غلات» بودند یکی از بلاهای بزرگی که در آن زمان بود و امام باقر علیه السلام با آن مواجه بودند این بود که غیر خدا مثلاً حضرت علی علیه السلام را خدا می دانستند. خود امیرالمؤمنین با گروه غلات بسیار مشکل داشتند امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز با آن ها مشکل داشتند.

و نمی دانم این ها چگونه قرآن می خواندند و باز غالی بودند. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ 1 ءاللَّهُ الصَّمَدُ 2 لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

ص: 25

آيا صريح تر از اين مى شود با كسى حرف زد كه خدا درباره توحيد حرف زده چطور يك عده اى پيدا مى شوند و ادعاى خدايى مى كنند. مى گويد: «اَنْتِ اَنَا اللّٰهُ»، «سبحانى ما اعظم شأنى» و «ليس فى جَبَّتِي اِلَّا اللّٰهُ».

مگر ما چند خدا داريم؟ قبل از منصور حلاج خدا نبوده است؟ مثلاً منصور حلاج كه به دنيا آمده، خدا بوجود آمده است؟! و همچنين ديگران، مگر نمى گوييم على فرزند ابوطالب است؟ مگر نمى گوييم مادرش فاطمه بنت اسد است. خدا كه «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ» است مگر «لَمْ يُولَدْ» را نمى بينيد؟ كور هستيد؟ باز هم مى گویند على خدا است؟!

من هنوز اين منطق را متوجه نشده ام كه چطور انسان

ص: 26

صفت خدا را در سوره قل هو الله به این وضوح می بیند خدا هم یکی بیشتر نیست و این همه بوق و کرنا، که علی خداست. با هزار وصله توجیهاتی می کنند و می خواهند علی را خدا کنند.

علی علیه السلام که خود ادعای بندگی می کند شما به چه مجوّزی او را خدا می دانید؟! مگر کاسه گرم تر از آتش هم می شود؟! من نمی دانم بعضی ها مغز خر می خورند؟!

یکی از مشکلات مبارزه با غلات بود.

مرحوم حاج میرزا خلیل کمره ای کتاب بسیار نفیسی در مبارزه اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً این دو امام بزرگوار با غلات نوشته است.

یکی از مبارزات با خوارج بود که در آن زمان وجود داشتند الآن هم وجود دارند همین سلفی هایی که اسمشان را وهابی می گذاریم و این ها همان خوارج نهروان هستند

ص: 27

منتهی با تغییر اسم و شکل و آلا ریشه همان ریشه است و با همان طرز تفکرات مقدّسین خشکی که اسلام را به فصاحت کشیدند. الحمدلله در این اواخر بعد از اوجی که گرفتند و فعالیت هایی که انجام دادند امروزه با شکست مذهبی و سیاسی مواجه شده اند و دنیای امروز این طرز تفکرات و این انحرافات را به این شکل نمی پذیرد و این ها رو به زوال هستند و انشاء الله خداوند کمک کند تا باقیمانده آن ها نیز جمع شوند و به جهنّم بروند.

می دانید که موضع گیری در مقابل این انحرافات و دفاع کردن از حریم دین کار ساده ای نیست. دقت کنید! در قرآن می خوانیم: کسانی که در راه خدا می خواهند جنگ کنند نباید شل، کور، مریض و پیر باشند. شوخی نیست می خواهند بروند و جهاد کنند، سینه سپر کنند و با دشمن نبرد کنند. قدرت می خواهد نیرو و چشم می خواهد.

ص: 28

«لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ»⁽¹⁾

بابا تو کوری نمی توانی به جبهه بروی يك آخوند بی سواد اگر می خواهد امروز با خطوط انحرافی مبارزه کند اگر کور باشد معاف است نباید به او اجازه داد با افراد منحرف مبارزه کند. با دو پیچ و تاب علمی او را به زمین می کوبند.

ما اگر بخواهیم امروز در مقابل این همه انحرافات بایستیم باید مجهز به سلاح علم باشیم، حوزه های ما باید قوی باشد، افکار انحرافی را شناخت داشته باشد، طرز دفاع از حریم دین را باید کامل بدانند و باید در این مسیر استعدادهایی بکار بیفتند.

ص: 29

1- فتح 17

یکی از دوستان طلبه ما با يك مقدار اطلاعات توانست يك خط انحرافی شدید را بکوبد.

ما باید به اطلاعات مجهز باشیم. امروز با بحث های آزادی که بوسیله يك فرزند زهرا در قم انجام گرفت، جهانی از تسنن را به زانو در آورد و چه قدر از مردم را از مسیر انحرافی روی گردان نمود و شیعه شدند.

علم می خواهد، اطلاعات می خواهد، اطلاعات زیاد در دست دارد و با آن دشمن را به زانو در می آورد. کور نمی باید به میدان جنگ برود، شل نباید به میدان جنگ برود انسان دو پا می خواهد تا بتواند راه برود با يك پا نمی شود.

علم و تقوی باید با هم باشند تا بتوانیم مبارزه کنیم اگر لنگ باشید نمی شود؛ بارها گفته ام ما می بایستی با علم نفوذی در مغز مردم و با تقوی نفوذی در قلب مردم داشته باشیم اگر یکی را نداشته باشیم نمی باید مبارزه کنیم، آن که

ص: 30

می خواهد به جنگ برود باید سالم باشد اگر بیمار باشد به جنگ رفتنش به نفع دشمن است دشمن او را به عنوان يك فرد به حساب می آورد در حالی که او بیمار و کالعدم است، يك آدمی که که خودش منحرف است بخوهد با دشمن مبارزه کند دشمن از او سوء استفاده می کند. دفاع آدم سالم و بینای دو پا می خواهد نه يك پا، تا بتواند دفاع کند. خیلی کار مشکلی است.

امام باقرعلیه السلام در جامعه جایگاهی داشتند کسی نمی توانست بگوید بالای چشم حضرت ابروست یعنی این قدر قداست و بزرگواری و عظمت داشتند که حتی دشمنان جرأت بیان کردن نقطه ضعف از امام را نداشتند که حضرت را با آن نقطه ضعف زمین بزنند. از نظر علمی هم صغیر و کبیر و همه قشرهای جامعه اقرار به عظمت علمی این بزرگوار داشتند. آن وقت با این دو بال، بال علم و

فضیلت و بال تقوی و عصمت توانستند در مقابل این هجمه حملات دشمن سینه سپر کنند و چه قدر موقیّت داشتند.

اگر شیعه امروز در دنیا آبرویی دارد به برکت این دو امام بزرگوار است.

خداوند انشاء الله ما را با این خاندان محشور کند، خداوند ما را سر سفره صادقین علیهما السلام قرار دهد تا بتوانیم از این سفره پر برکت امامین همامین حداکثر استفاده را داشته باشیم و شکر خدا را بجا آوریم که الحمدلله ما از این سرچشمه در علوم خود در حال ارتزاق می باشیم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 32

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگویم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

